

درس هفتم عربی یازدهم تجربی و ریاضی

و درس هفتم یازدهم انسانی

مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

مدرس : ابوالفضل مظهری ۰۹۱۱۳۷۶۷۳۰۶

الأفعال الناقصة

نواسخ کلماتی هستند که وقتی بر سر جمله‌های اسمیه می آیند ، مکم مبتدا و فبررا تخییر می دهند .

نواسخ عبارتند از :

افعال ناقصه ، حروف مشبهةٌ بالفعل ، لای نفی جنس

۱ - افعال ناقصه : که عبارتند از ((كانَ ، صارَ ، ليسَ ، أصبحَ ، ماداه ، مازالَ و ...))

وقتی بر سر جمله‌های اسمیه وارد می‌شوند تخییرات مشخص شده در زیر ایجاد می‌شود .

مبتدا + خبر ---» افعال ناقصه + اسم افعال ناقصه ومرفوع + خبر افعال ناقصه و منصوب

كَانَ عَلَى مَعْلَمًا .

فعل ناقصه اسم كان و مرفوع خبر كان و منصوب

«--- عَلَى مَعْلَمٌ

مبتدا و مرفوع خبر و مرفوع

مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

كان چند معنا دارد :

۱ - به معنای « بود » ؛ مثال: كانَ الْبَابُ مُغْلَقًا . در بسته بود.

۲ - به معنای « است » ؛ مثال : * إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا * الأحزاب: ۲۴

بی گمان خدا آمرزنده و مهربان است (بوده است).

تذکر : فعل ماضی در عربی برای بیان امور متمم الوقوع، همیشگی و اوصاف

الهی استفاده می شود . در این موارد این فعل های ماضی را می توان به صورت

مضارع ، مضارع التزامی یا ماضی نقلی ترجمه کرد.

۳- کانَ به عنوانِ « فعل کمکی سازنده‌ی معادل ماضی استمراری » ؛

کانوا یَسْمَعُونَ : می شنیدند .

نکته (فِیْلِ فِیْلِ مَهْم)

کانَ + فعل مضارع --- « ماضی استمراری (... می + بن فعل ماضی + شناسه‌ها)

یَنْصُرُ (یاری می کند) --- « کانَ یَنْصُرُ (یاری می کرد)

ما کانَ یَنْصُرُ (یاری نمی کرد) - کانَ لا یَنْصُرُ (یاری نمی کرد)

کانَ یَذْهَبُ - کَانَ یَذْهَبَانِ - کَانُوا یَذْهَبُونَ - کَانَتْ تَذْهَبُ - کَانَتْ تَذْهَبَانِ - کُنَّ یَذْهَبْنَ
کُنْتُ تَذْهَبُ - کُنْتُمْ تَذْهَبَانِ - کُنْتُمْ تَذْهَبُونَ - کُنْتُ تَذْهَبِينَ - کُنْتُمْ تَذْهَبَانِ - کُنْتُمْ تَذْهَبْنَ
کُنْتُ أَذْهَبُ - کُنَّا نَذْهَبُ

۴ - کان به عنوان « فعل کمکی سازنده‌ی معادل ماضی بعید » ؛ مثال :

« کان الطالبُ سَمِعَ » و « کان الطالبُ قَدْ سَمِعَ » : « دانش آموز شنیده بود » .

نکته (فیل‌ی فیل‌ی مهم)

یا } کان + فعل ماضی
← ماضی بعید زبان فارسی (بن ماضی + ه + بود + شناسه‌ها)
} کان + قَدْ + فعل ماضی

ذَهَبَ (رفت) / کان « قَدْ » ذَهَبَ (رفته بود) / ما کان ذَهَبَ (نرفته بود)
کان قَدْ ذَهَبَ - کانا قَدْ ذَهَبَا - کانوا قَدْ ذَهَبُوا - کانت قَدْ ذَهَبَتْ - کانتا قَدْ ذَهَبْتَا - کُنَّ قَدْ ذَهَبْنَ
کُنْتَ قَدْ ذَهَبْتَ - کُنْتُمَا قَدْ ذَهَبْتُمَا - کُنْتُمْ قَدْ ذَهَبْتُمْ - کُنْتَ قَدْ ذَهَبْتَ - کُنْتُمَا قَدْ ذَهَبْتُمَا - کُنْتَنَّ قَدْ ذَهَبْتَنَّ
کُنْتُ قَدْ ذَهَبْتُ - کُنَّا قَدْ ذَهَبْنَا

۵- « کَانَ » بر سر « لِ » و « عِنْدَ » معادل فارسی « داشت » است ؛ مثال :

کَانَ لِي خَاتَمٌ فَضَّةٌ. انگشتر نقره **داشتم** .

کَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی **داشتم** .

کَانَ + { لِ / عِنْدَ } + اسم یا ضمیر = داشتن

✓ مضارع كانَ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

ماضی (كانَ - كانا - كانوا - كانتَ - كانتا - كُنَّ
كُنْتَ - كُنْتِما - كُنْتُمْ - كُنْتِ - كُنْتِما - كُنْتُنَّ - كُنْتُ - كُنَّا

مضارع (يَكُونُ - يَكُونان - يَكُونونَ - تَكُونُ - تَكُونانِ - يَكُنُّ
تَكُونُ - تَكُونانِ - تَكُونونَ - تَكُونينَ - تَكُونانِ - تَكُنَّ - أَكُونُ - نَكُونُ

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ **كُنْ فَيَكُونُ** (يس: ۸۲)

فرمان او چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود!

✓ صَارَ و أَصْبَحَ به معنای « شد » هستند. مضارع صَارَ « يَصِيرُ » و مضارع أَصْبَحَ « يُصْبِحُ » است؛ مثال :

— * ... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً * الْحَجَّ: ٦٣

از آسمان، آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می شود.

نَظَّفَ الطُّلَّابُ مَدْرَسَتَهُمْ ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً.

دانش آموزان مدرسه شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

(ماضى) صارَ - صارا - صاروا - صارتُ - صارتا - صرنا
صرتَ - صرتما - صرتُم - صرتِ - صرتُما - صرتُنَّ - صرتُ - صرنا

(مضارع) يصيرُ - يصيرانِ - يصيرونَ - يصيرُ - تصيرانِ - يصرنَ
تصيرُ - تصيرانِ - تصيرونَ - تصيرينَ - تصيرانِ - تصرنَ - أصيرُ - نصيرُ

(ماضى) أصبحَ - أصبحا - أصبحوا - أصبحتُ - أصبحتا - أصبحنا
أصحتَ - أصحتما - أصحتُم - أصحتِ - أصحتُما - أصحتُنَّ - أصحتُ - أصبحنا

(مضارع) يُصبحُ - يُصبحانِ - يُصبحونَ - يُصبحُ - يُصبحانِ - يُصبحنَ
تُصبحُ - تُصبحانِ - تُصبحونَ - تُصبحينَ - تُصبحانِ - تُصبحنَ - نُصبحُ - نُصبحُ

✓ لَيْسَ يَعْنِي «نیست»: مثال:

* ... يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ * آل عمران: ۱۶۷

با دهان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند داناتر است.

ماضی لَيْسَ - لَيْسَا - لَيْسُوا - لَيْسَتْ - لَيْسَتَا - لَيْسْنَ

لَسْتُ - لَسْتُمَا - لَسْتُمْ - لَسْتِ - لَسْتُمَا - لَسْتُنَّ - لَسْتُ - لَسْنَا

لَيْسَ + $\left\{ \begin{array}{l} لَ - \\ عِنْدَ \end{array} \right\}$ + اسم یا ضمیر = نداشت

نکته) افعال ناقصه از لحاظ مذکر و مؤنث بودن تابع اسم خود هستند .

مانند : كَانَتِ التَّلْمِيْذَةُ نَشِيْطَةً .

فعل ناقصه اسم کانت و مرفوع خبر کانت و منصوب
(مؤنث) (مؤنث)

نکته) خبر افعال ناقصه اگر به صورت شبه جمله آمده باشد (جار و مجرور ، ظرف) بر اسم خود مقدم می‌شود . مانند :

لَيْسَ لِّلْفَرَارِ مَجَالٌ .

فعل ناقصه شبه جمله (جار و مجرور) اسم مؤخر لیس و مرفوع

خبر مقدم لیس

نکته) اگر افعال ناقصه در ابتدای جمله اسمیه‌ای بیایند که مبتدایش یک ضمیر منفصل مرفوع است ، مبتدا را حذف کرده ، سپس فعل ناقصه را به همان صیغه‌ی مبتدا می‌بریم و در آخر خبر را منصوب می‌کنیم . .

کَانَ + (هُـم نَاجِحُونَ .) --- « كَانُوا نَاجِحِينَ .

مبتدا خبر و مرفوع ، فعل ناقصه و اسم آن خبر کان و منصوب

رفع با « و » ضمیر بارز (و) نصب با « ی »

لَيْسَ + (هِيَ كَاذِبَةٌ .) --- « لَيْسَتْ كَاذِبَةً .

مبتدا و مرفوع خبر و مرفوع فعل ناقصه و اسم آن خبر لیس و منصوب

ضمیر مستتر « هِيَ »

نکته) خبر افعال ناقصه از لحاظ تعداد و جنسیت با اسم خود مطابقت می کند .

أَصْبَحَ الْمُؤْمِنُونَ مُنْتَصِرِينَ . مؤمنان پیروز شدند .

| | | |
|---------------|----------------------|----------------------|
| فعل ناقصه | اسم أَصْبَحَ و مرفوع | خبر أَصْبَحَ و منصوب |
| (مفرد مذکر) | رفع با « و » | نصب با « ی » |
| | (جمع مذکر) | (جمع مذکر) |

*اگر اسم افعال ناقصه بصورت اسم ظاهر باشد ، فعل ناقصه در ابتدای جمله بصورت مفرد (مذکر - مؤنث) می آید .

نمونه تستی : (فَلَمَّا مَاتَ ، كَانَ الْمُسْلِمُونَ قَدْ بَلَغُوا مَنْزِلَةً رَفِيعَةً فِي الْعُلُومِ .)

- ۱) پس او از دنیا نرفت مگر زمانی که مسلمانان به مقام بلندی در دانش رسیده بودند .
- ۲) پس هنگام مرگ او ، مسلمانان به جایگاه رفیعی در علوم رسیدند .
- ۳) پس او نخواهد مرد مگر این که مسلمانان به مقام بلندی در دانش برسند .
- ۴) پس هنگامی که او مرد ، مسلمانان به جایگاه بلندی در علوم رسیده بودند .

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمُ هَذِهِ الْآيَاتِ .

۱ - * وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ * مريم : ۵۵
و خانواده‌ی خود را به نماز و زکات امر می‌کرد.

۲ - * أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا * الْإِسْرَاءِ : ۳۴

به عهد و پیمان وفا کنید ، قطعاً عهد و پیمان مورد سوال است (از عهد و پیمان پرسیده می‌شود).

۳ - * ... يَقُولُونَ بِالَّذِينَ نَحْنُ بِالْعَدْوِيِّينَ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ * الْفَتْحِ : ۱۱

چیزی که در دل‌هایشان نیست با زبان‌هایشان می‌گویند.

۴ - * لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلْمُتَذَكِّرِينَ * يُوسُفَ : ۷

قطعاً در [سرگذشت] یوسف و برادرانش نشانه‌هایی برای پرسشگران است.

۵ - * وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا * آلِ عِمْرَانَ : ۱۰۳

و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن‌گاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت و در سایه نعمت او با هم برادر شدید .